*بسمه تعالی*

*نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی*

*دکتر سید مصطفی ابطحی*

***چکیده***

***مسجد به‌مثابه‌ی تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی و کانون تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستاست. این مرکزیت نه‌تنها در چهره‌ی شهرها، بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود. اگر مسجد در تحقق انقلاب نقشی محوری داشت، باید در تداوم و بقای آن نیز، با درنظرگرفتن متغیرهای جدید جامعه، کارکرد خود را بروز دهد. در این پژوهش، ضمن بیان مؤلفه‌های هسته‌ی بسیج‌گر انقلاب اسلامی و نقش مسجد در تأسیس این هسته، معتقدیم در وضعیت جدید مساجد و متولیان آن باید با تلاش مضاعف برای تعمیق ایمان دینی و اعتقاد عملی مردم به مکتب اسلام سیاسی بکوشند و با این رویکرد شالوده‌ی تمدن اسلامی با محوریت مسجد را شکل دهند. در این مقاله، با تعریف مفاهیم و واژه‌ها، به نحوه‌ی شکل‌گیری انسجام و بسیج عمومی توجه می‌کنیم. نقش مسجد به‌مثابه‌ی پایگاه اطلاع‌رسانی و ساماندهی دو سرفصل مهم دارد:***

***- مسجد به‌مثابه‌ی پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای؛***

***- مسجد به‌مثابه‌ی کانون هدایت و سازماندهی.***

***عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی- روانی توده‌های بسیج‌شده عبارت است از: 1- اسلامی‌کردن؛ 2- غرب‌ستیزی؛ 3- رهبری.***

***ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها، مختصات و امتیازات ایدئولوژی اسلامی در کانون‌هایی به‌نام مساجد برای توده‌ها تبیین می‌شود. با رعایت برخی از امور، روند کاری مسجد سریع‌تر پیش می‌رود:***

1. ***نظارت روحانی‌ها بر شبکه‌ی وسیع مساجد، تکیه‌ها، حرم‌های مذهبی و انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی به‌مثابه‌ی ابزارهای سازمانی آن‌ها در سطح محلی، مجراهای برقراری ارتباط با مردم و اشاعه‌دهنده‌ی تبلیغات.***
2. ***حلقه‌ها و پیوندهای اقتصادی و شخصی روحانیان مسئول در مسجد با اقشار مستضعف و متوسط، به‌‌ویژه بازاریان.***
3. ***استقلال نسبی مالی و سیاسی‌شان از دولت.***

***در طول 8 سال دفاع مقدس، مساجد در اعزام و بسیج نیروهای مردمی نقش به‌سزایی داشتند. چالش نظامی غرب با انقلاب اسلامی به چالش فرهنگی لیبرالیسم با اسلام تبدیل شد؛ با هدف تهی‌سازی فرهنگی، فکری و دینی ملت مسلمان ایران. نفوذ اندیشه‌های بیگانه از سوی دشمنان یا دوستان نادان، تجددگرایی افراطی، بی‌پاسخ‌گذاشتن پرسش‌ها و شبهات، رخنه‌ی فرصت‌طلب‌ها و ترک صحنه ازسوی نیروهای انقلابی از آفت‌های مهمی است که انقلاب را تهدید می‌کند.***

***اشاره***

***مسجد به‌مثابه‌ی تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی کانون تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستاست. این مرکزیت نه‌تنها در چهره‌ی شهرها، بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود. در شهرسازی اسلامی مسجد، به‌مثابه‌ی پایگاه عقیده، در کنار بازار، به‌مثابه‌ی مرکز معیشت، در جوار حکومت و دستگاه دیوانی، به‌مثابه‌ی کانون قدرت، نظام متحدالشکلی را تشکیل می‌دهند. به‌دلیل نزدیکی بازار به مسجد، دادوستد عادلانه و منصفانه صورت می‌گیرد و حکومت نیز به حرمت مسجد رعایت حال رعایا را می‌کند.***

***بنابراین، مسجد همه‌ی عناصر فرهنگی لازم برای حیات اجتماعی را دارد. مسجد نخستین و گسترده‌ترین شبکه‌ی اجتماعی‌ای است که می‌تواند، با آگاهی‌بخشی، رسالت تاریخی خود را در جهت ارتقاء شأن و جایگاه جامعه‌ی اسلامی، مبارزه با حاکمیت جور و تقویت ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعه‌ی اسلامی ایفا کند. این مؤلفه‌ی ممتاز مساجد در ایران معاصر و در عرصه‌ی انقلاب اسلامی کانون هویت‌ساز و بسیج‌گر انقلاب بود و حیرت همه‌ی ناظران منصف را برانگیخت. برخلاف انقلاب‌های معمول جهان، انقلاب اسلامی تشکیلات حزبی و سازماندهی رسمی نداشت؛ اما مساجد هسته‌های اصلی تجمع مردم و الهام‌بخش رفتار دینی و سیاسی مردم بودند. گفتمان دینی‌ای که در منابر، مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌شد، به گفتمان برتر بدل شد و همه‌ی گفتمان‌های چپ، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را در خود حل کرد. اگر مساجد در تحقق انقلاب نقش محوری داشتند، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز محور پیشرفت انقلاب باشند.***

***سؤال‌های اساسی***

***1- نقش مسجد در تأسیس هسته‌ی بسیج‌گر انقلاب اسلامی چه بود؟***

***2- کارکردهای مسجد در حدوث انقلاب اسلامی معطوف به چه اموری بود؟***

***3- در تداوم انقلاب اسلامی، مساجد با چه رویکردی قادرند در تعمیق، بسط و گسترش ایده‌ی پایداری حکومت دینی و قوام و دوام انقلاب اسلامی، باتوجه‌به متغیرهای جدید جامعه‌ی ملی و جهانی، بکوشند؟***

***فرضیه***

***مسجد اکنون نیز کانون تأسیس هسته‌ی بسیج‌گر انقلاب اسلامی است؛ زیرا علت محدثه‌ی انقلاب همان علت مبقیه‌ی انقلاب است. بنابراین، ماندگاری و تداوم انقلاب اسلامی در گرو بالندگی و کارامدی ماهیت هسته‌ی بسیج‌گر انقلاب است.***

***تعریف مفاهیم و واژه‌ها***

***بسیج[[1]](#footnote-1): منظور از بسیج توانایی بالفعل رهبر یا رهبران در جلب حمایت بخش‌های گسترده‌ای از مردم در جریان جنبش اجتماعی یا انقلاب است. این توده‌های مردم گمشده‌ی خود را در رهبر، آرمان و اندیشه‌ی او می‌جویند و رهبر نیز نشان می‌دهد فقط به‌دنبال خواسته‌های معنوی و مادی آن‌هاست.***

***انقلاب: انقلاب عبارت است از بسیج‌شدن و در حالت بسیج‌ماندن؛ بنابراین هنگامی که نظام سیاسی قادر نباشد حالت بسیج مردم را حفظ کند، انقلاب پایان‌یافته تلقی می‌گردد.***

***مباحث نظری بسیج سیاسی مردم***

***تحلیل هسته‌ی بسیج‌گر در انقلاب اسلامی ایران براساس دیدگاه چارلز تیلی است. تیلی، از جامعه‌شناسان معروف انقلاب، در تئوری خود مسئله‌ی هسته‌ی بسیج‌گر انقلاب را مطرح کرد. به‌نظر او، هرگاه گروهی بکوشد کنترل خود را بر منابع افزایش دهد، در حال بسیج است و هرگاه کنترل گروه بر منابع مزبور کاهش یابد، گروه در حالت ضدبسیج****[[2]](#footnote-2)* ***قرار می‌گیرد. به گفته‌ی تیلی، عوامل تعیین‌کننده‌ی توانایی بسیج گروه‌ها و جماعت‌های مختلف عبارت است از:***

***1- امکانات موجود گروه؛***

***2- مساعدت محیط؛***

***3- تشکیلات سازمانی گروه.***

***تیلی گروه‌ها را از لحاظ توانایی بسیج به دو نوع تقسیم می‌کند:***

***نخست: گروه‌های اشتراکی‌ای****[[3]](#footnote-3)* ***که ویژگی محلی دارند. تشکیلات آن‌ها محدود و موضعی است و همه‌ی اعضای آن‌ها قدرتی کم‌وبیش یکسان دارند. درضمن، وفاداری درونی این گروه‌ها زیاد است، اما قدرت بسیج آن‌ها کم.***

***دوم: گروه‌های سازمان‌یافته‌ی انجمنی****[[4]](#footnote-4)* ***که تشکیلات وسیع و پیچیده دارند. هرچند وفاداری درونی آن‌ها از نوع اول کمتر است، اما توانایی سازماندهی و بسیج زیادی دارند.***

***تیلی در مورد بسیج توده‌های مردم به دو عامل تسهیل‌کننده اشاره می‌کند:***

***نخست: نارضایتی توده‌ها که از ناتوانی رژیم حاکم در پاسخگویی به انتظارات آن‌ها ناشی می‌شود یا از فشارهای ناگهانی‌ای که رژیم در موقعیت‌های بحرانی (نظیر جنگ، بحران اقتصادی و...) بر توده‌ها وارد می‌کند.***

***دوم: وجود برخی روابط و همبستگی‌های اشتراکی میان توده‌ی مردم. این همبستگی‌ها کنش جمعی را میان توده‌ها امکان‌پذیر می‌کند. به نظر تیلی، فقط نارضایتی توده‌ی مردم برای کشاندن آن‌ها به انقلاب کافی نیست؛ بلکه این نارضایتی‌ها فقط زمینه‌ی استقبال توده‌ها را از گروه‌های معارضه‌جو و انقلابی فراهم می‌کند. در چنین موقعیتی، وجود همبستگی‌های اشتراکی نقش مهمی در تسهیل بسیج انقلاب توده‌ها و توسعه‌ی گروه‌های انقلابی دارد.***

***جرالد گرین انقلاب اسلامی ایران را براساس مفهوم ضدبسیج****[[5]](#footnote-5)* ***بررسی کرده است. طبق تعریف گرین، ضدبسیج عبارت است از: «بسیج عمومی علیه نظام سیاسی حاکم از سوی گروهی که در مقابل برگزیدگان حاکم صف‌آرایی کرده‌اند». گرین شرایط ضدبسیج را این‌گونه بیان می‌کند:***

1. ***تضعیف اراده و توانایی‌های دولت؛***
2. ***ساده‌سازی سیاست؛***
3. ***قطب‌بندی توده‌ها؛***
4. ***سیاسی‌شدن بخش‌هایی از جامعه که به‌طورسنتی غیرسیاسی بوده‌اند؛***
5. ***رویدادهای بحران‌زا؛***
6. ***واکنش خشونت‌آمیز از سوی رژیم.[[6]](#footnote-6)***

***چگونگی شکل‌گیری بسیج مردم در انقلاب اسلامی***

***با استفاده از تئوری‌های فوق می‌توان دلایل شکل‌گیری بسیج انقلابی مردم را در انقلاب اسلامی ایران ارزیابی کرد. در تحلیل «بسیج انقلابی» در انقلاب اسلامی ایران باید عوامل زیر را مؤثر دانست:***

***1- وجود نیروهای متشکل اجتماعی، به‌خصوص نیروهای مذهبی که از حضور در عرصه‌ی رسمی سیاست محروم بودند. این محرومیت سیاسی در حالی رخ داد که جامعه‌ی ایران به‌شدت در حال تغییر بود. نیروهای مذهبی محروم از حضور در عرصه‌ی سیاست و ناراضی از وضعیت فرهنگی- سیاسی جامعه، پیرامون شخصیتی حلقه زدند که بنیان مشروعیت حکومت پهلوی را به چالش کشید و آن را مردود اعلام کرد. مهم‌ترین نیروی مبارزاتی روحانیت علیه رژیم پهلوی تبعیت کامل از امام(رحمة‌الله‌علیه) بود. هرچند رهبری انقلاب، به لحاظ ظاهری، حزب و تشکیلاتی منسجم نداشت؛ اما تبعیت از امام(رحمة‌الله‌علیه) و قرارداشتن برخی از طرفداران ایشان در رده‌ی فضلا و مدرسان حوزه‌ها موجب شد شبکه‌ای از طرفداران ایشان، همچون سازمانی نیرومند و متشکل،پدید آید و انقلاب را پیش ببرد.***

***2- نفوذ مذهب شیعه میان اقشار متوسط شهری، به‌خصوص ظهور مذهب شیعه به‌مثابه‌ی ایدئولوژی و تئوری انقلابی میان اقشار تحصیلکرده‌ی مذهبی.***

***3- انسداد سیاسی یا فقدان چرخش نخبگان و جایگاه‌ها در ساختار حکومت پهلوی.***

***نکته‌ی مهم این است که همزمان با شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی در جامعه، براساس فرایند نوسازی اجتماعی، افراد تحصیلکرده که توان ورود به لایه‌های تصمیم‌گیری نظام و سیاست رسمی و قانونی را نداشتند- به‌دلیل فرمایشی‌بودن مجلس، احزاب و دولت- پاسخ همه‌ی مطالبات و اعتراض‌های خود را در ایدئولوژی اسلامی جستجو کردند. بدین ترتیب، دین چارچوب و عاملی شد که نه‌تنها قشر تحصیلکرده‌ی انقلابی را به شبکه‌ی وسیع مردم وصل کرد، بلکه رهبری بسیج‌گر انقلاب نیز توانست با بهره‌گیری درست از منابع دینی و ظرفیت‌های انقلابی جاذبه‌ی فراوانی برای همگان- روشنفکران  
و توده‌ها- پیدا کند. شبکه‌ای مذهبی با محوریت مسجد به‌وجود آمد.***

***براین‌اساس، نهضتی نسبتاً وسیع و خودجوش در تهران و بیشتر شهرستان‌ها میان مبارزان و جوانان مسلمان راه‌اندازی شد. این نهضت برای تأسیس انجمن‌ها، هیأت‌ها و مؤسسه‌های اسلامی با برنامه‌های امدادی، فرهنگی، تبلیغاتی، بهداشتی و حتی تولیدی و تجاری می‌کوشید. همچنین، شرکت‌ها و بنگاه‌های نشریاتی فعال به‌وجود آمد و درمانگاه‌ها، بیمارستان‌های خیریه به سبک اجتماعی و صندوق‌های قرض‌الحسنه تأسیس شد. انتقال شهید مطهری به تهران در سال 1335 و پیوستن به فعالیت‌های جوانان و دانشگاهیان، تفسیر قرآن و منبر مرحوم طالقانی در مسجد هدایت و تلاش‌های عالمانه‌ی دکتر مفتح در مسجد قبا نقش بزرگی دراین‌راستا ایفا کرد؛ به‌گونه‌ای‌که روحانیت جوان نیز آهسته‌آهسته تمایل و تحرک بیشتری از خود نشان داد.***

***مسجد پایگاه اطلاع‌رسانی و سازماندهی***

***در دهه‌ی چهل و پنجاه که سلطه‌ی نظام سیاسی پهلوی بر وسایل ارتباط جمعی باعث شده بود نیروهای انقلابی از حق فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محروم بمانند، مساجد مناسب‌ترین رسانه‌ی ارتباط جمعی برای آگاهی‌بخشی مردم بودند. همچنین، مساجد مهم‌ترین پایگاه هدایت و سازماندهی نیروی انقلابی به‌شمار می‌رفت. ازاین‌رو، برای تبیین نقش مسجد در دوران انقلاب اسلامی می‌توان به دو سرفصل مهم اشاره کرد: مسجد پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای و مسجد کانون هدایت و سازماندهی.***

***درخصوص نقش مسجد به‌مثابه‌ی پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای باید به این نکته توجه کرد که در دوران حکومت پهلوی عموم مردم نابسامانی‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را مشاهده کرده بودند و متناسب با میزان درک و دریافت خود پدیده‌های اجتماعی را تحلیل می‌کردند. مسجد به‌دلیل مسائل معنوی پایگاهی چندمنظوره بود و در آن همه‌ی اقشار جامعه، با همه‌ی باورها و عقاید خویش، همه روزه دور هم جمع می‌شدند و در همه‌ی امور جامعه‌ی خود مشارکت می‌کردند. درحقیقت، مسجد اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی‌ای بود که امکان خبرگیری از همه‌ی وقایع در آن وجود داشت. با تشدید مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی، مسجد دراین‌زمینه جایگاه ارزشمندتری پیدا کرد. حضور روحانیان و نخبگان دانشگاهی در اماکن مذهبی، حسینیه‌ها و مساجد مردم را با واقعیت‌های جامعه، فساد دربار، مظالم دستگاه حکومت و سیاست‌های ضددینی نظام پهلوی آشنا می‌کرد. بنابراین، مسجد ضمن گسستن پیوندهای مردم با نظام سلطنت، جایگاهی شد برای ترسیم مؤلفه‌های حکومت مطلوب. مسجد مردم را به خویشتنشان بازگرداند تا پرچمدار هویت دینی و اسلامی شوند.***

***مسجد در سازماندهی مردم برای تغییر وضعیت موجود و نیل به وضعیتی مطلوب نقشی به‌سزا داشت. مسجد پایگاه خودآگاهی، حرکت جمعی و اعتراضات مردمی نیز بود. مسجد از افراد و خانواده‌هایی که در راستای آرمان‌های دینی خود مبارزه می‌کردند و به زندان می‌افتادند حمایت می‌کرد. توانایی چشمگیر روحانیت در بسیج مردم در مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها یکی از ویژگی‌های زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران بود. این توانایی در مرحله‌ی نخست حاصل کاربست ایدئولوژی احیاگرانه‌ی اسلامی بود؛ ایدئولوژی‌ای که پاکسازی جامعه از نشانه‌های فرهنگ و تمدن غربی را وعده می‌داد و مردم را به صحنه می‌آورد. راز مقبولیت ایدئولوژی اسلامی در آن بود که می‌کوشید به نزاع‌های روحی و روانی توده‌هایی پاسخ دهد که در اثر دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شبه غربی جابه‌جا شده بودند. برای شناسایی عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی روانی توده‌های مردم می‌توان به این موارد اشاره کرد.***

***1- اسلامی‌کردن جامعه: توده‌های مردم که قادر نبودند در فرهنگ و شیوه‌ی جدید زندگی غربی مضمحل شوند، کوشیدند جامعه‌ای را شکل دهند که ارزش‌ها و قواعد حاکم بر آن با ارزش‌ها و مطلوب‌های آنان منطبق باشد. رواج مفاهیمی مانند اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، جزای اسلامی و مدیریت اسلامی از تلاش برای ساختن جامعه‌ای برپایه‌ی آموزه‌های اسلامی و تقابل با نماد زندگی شبه غربی ناشی می‌شود. تلاش بی‌وقفه‌ی استاد مطهری در دهه‌ی چهل و پنجاه برای تدوین ایدئولوژی اسلامی به‌مثابه‌ی مکتب و دستگاه هماهنگ فکری نقشی اساسی در این امر داشت. درواقع، شهید مطهری دنبال چیزی بود که در قیام 15 خرداد نیاز به آن احساس شد؛ یعنی ایدئولوژی‌ای مدون، مکتبی جامع به زبان روز و پاسخگو به شبهات جدید که نهضت براساس آن به حرکت خود ادامه دهد و پس از پیروزی نیز برنامه داشته باشد.****[[7]](#footnote-7)*

***2- غرب‌ستیزی: ایدئولوژی انقلاب اسلامی با تقلیدی و شبه‌غربی‌خواندن نوسازی و تغییرهای اجتماعی به‌وجودآمده در جامعه به نیازها و علایق مردمی پاسخ داد که فرهنگ و تمدن غربی را عامل نابسامانی‌ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی می‌دانستند.***

***3- رهبری: جابه‌جایی‌های گسترده‌ی اجتماعی باعث بی‌ثباتی اجتماعی، ناامنی، سرگشتگی و احساس بی‌هویتی شد و در چنین وضعیت روحی و روانی‌ای رهبری آگاه، دلسوز و روحانی تسلای روحی ملت را به ارمغان آورد.****[[8]](#footnote-8)*

***جایگاه مسجد***

***اگر بخواهیم جایگاه و موقعیت مسجد را در اسلام بیابیم باید به صدر اسلام برگردیم و جایگاه مسجد را میان مسلمانان عصر پیامبر(صل‌الله‌علیه‌وآله) بررسی کنیم؛ زیرا تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده است و این مکان مقدس، بی‌درنگ پس از بعثت نبی اکرم(صل‌الله‌علیه‌وآله)، نقش‌های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت بر عهده گرفت.***

***مسجد مهم‌ترین و مؤثرترین ستاد فرهنگی برای ترویج فرهنگ اسلامی در تاریخ اسلام بوده است و به‌همین‌دلیل کارکردهای مختلفی داشته است. مسجد اسلامی چهار نقش را همزمان ایفا می‌کند:***

1. ***پایگاه عبادت و یاد خداوند متعال؛***
2. ***پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تعلم معارف اسلامی؛***
3. ***پایگاه تجمع نیروهای رزمنده و اعزام آنان به جبهه‌های جهاد؛***
4. ***پایگاه وحدت مسلمانان و نمایش روح وحدت و یکپارچگی به دشمنان پیدا و پنهانِ جامعه اسلامی.***

***برنامه‌ریزی آموزشی و دینی در مساجد***

***برنامه‌ریزی تعاریف گوناگونی دارد؛ اما در تعریفی کلی می‌توان گفت: طراحی نقشه برای اهداف مختلف. یادگیری به نقشه و طرح نیاز دارد و از عوامل فراوانی تشکیل می‌شود؛ ازجمله مربی، فضا، ویژگی‌های یادگیرنده، اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و همچنین روابط بین یادگیرنده‌ها با یکدیگر و نهادهای تربیتی. برای آموزش و یادگیری در مساجد باید به این موارد بسیار توجه کرد. در عرصه‌ی تربیت نباید براساس احتمال و تصادف عمل کرد؛ بلکه باید با نقشه حرکت کرد. نقشه و طرح‌ریزی نیز کار متخصصان است.***

***اهمیت تعلیم‌وتربیت جوانان و نوجوانان***

***باتوجه‌به‌آنکه دنیای پررمزوراز نوجوانی و جوانی انسان‌هایی کامل می‌سازد، می‌توان اهمیت تعلیم‌وتربیت آنان را دریافت. باتوجه‌به فطرت انسانی و نیازهای جوانان و نوجوانان، باید زمینه را برای رشد همه‌ی قوا فراهم کرد. باید پذیرفت فردی که به مسجد می‌آید عقل و بعد اجتماعی، عاطفی، زیبایی‌گرایی و... دارد. ازاین‌رو، شایسته است نخست جوانان را با انگیزه‌های متفاوت به مسجد هدایت و برنامه‌ها را طوری طراحی کرد که همه‌ی قوای او را در برگیرد.***

***مسجدگریزی و دین‌گریزی***

***امروزه، متأسفانه برخی جوانان ایرانی آن‌گونه که انتظار می‌رفت به مسجد رفت‌وآمد نمی‌کنند و سلوک حقیقی دین را برنمی‌گزینند. علت‌های مختلفی برای مسجدگریزی و درنهایت دین‌گریزی جوانان وجود دارد:***

1. ***تهاجم فرهنگی؛***
2. ***پاسخگونبودن برخی از شیوه‌های تعلیم آموزه‌های دینی؛***
3. ***آشنانبودن مبلغان دینی به نیازهای بشر امروز و احساس کمبودی که انسان قرن بیست‌ویک از این جهت می‌کند؛***
4. ***آسیب‌پذیری جوانان ایرانی دربرابر مظاهر و جلوه‌های فساد و گریز از تعهد به عمل دینی؛***
5. ***عملکرد ناهنجار و نامطلوب برخی از متصدیان اداره‌ی جامعه در تربیت دینی نسل جوان؛***
6. ***نبود برنامه‌ریزی مناسب جهت تربیت دینی و عمیق‌ترشدن شکاف مسجد و جوانان.***

***موانع ارتباط جوانان با مسجد***

***وسایل مدرن و پرزرق‌وبرق دنیای اطراف جوانان ازیک‌سو و روحیه‌ی نوپسند و زیباطلب آنان ازسوی‌دیگر عواملی هستند که اگر آگاهانه با آن‌ها تعامل نشود، باعث دوری و غفلت جوانان از خدا می‌شود. از موانع ارتباط جوانان با مسجد می‌توان به این موارد اشاره کرد:***

1. ***آشنایی‌نداشتن جوانان با فلسفه‌ی نماز و اسرار نماز جماعت؛***
2. ***جذب بیش‌ازحد به امور دنیوی؛***
3. ***وجود گناه و عدم درک ارتباط با خدا؛***
4. ***نارسایی‌های معنوی در خانواده؛***
5. ***فاسدبودن محیط جامعه؛***
6. ***دوستان ناباب و الگوهای نامناسب؛***
7. ***موفق‌نبودن مساجد در به‌کارگیری روش‌های جذب جوانان؛***
8. ***توجه‌نکردن به نیازها و خواسته‌های جوانان؛***
9. ***استفاده‌نکردن از راهکارهای عملی در جذب جوانان؛***
10. ***دخالت عموم مردم در تربیت دینی، بدون داشتن تخصص کافی؛***

***راهکارهای جذب جوانان به مسجد***

***حضور جوانان در مساجد جهت برنامه‌ریزی برای آنان و اجرای برنامه‌ها الزامی است. بنابراین، باید باتوجه‌به نیازها و ویژگی‌های جوانان به راه‌های جذب آنان توجه کرد. از مهم‌ترین راه‌های جذب جوانان به مسجد عبارت است از:***

***1- مدیریت صحیح و خردورزانه‌ی مسجد: مدیریت صحیح می‌تواند با برنامه‌ریزی، اجرا و هدایت درست امور راه‌های متفاوتی برای جذب جوانان به مسجد فراهم آورد.***

***2- رفتار مناسب با جوانان: اصولاً، جوانان راه‌های دفع رفتاری را نمی‌پذیرند؛ اگر جوانی در راهش به مانعی برخورد کند که با روحیه‌اش هماهنگی نداشته باشد، سرخورده می‌شود و از ادامه‌ی راه باز می‌ماند. در ارتباط با جوانان، باید ابتدا راه ارتباطی و عاطفی را هموار کرد تا به برنامه‌های تعیین‌شده ایمانی نسبی پیدا کنند یا کل اهداف را بپذیرند. در رفتار با جوانان باید شناخت کافی از وضعیت فیزیولوژی، شخصیتی و رشد رفتاری آنان داشت و نیازشان را سنجید و به نظریات و افکارشان اهمیت داد. حتی در برخی مواقع باید به مسائل خصوصی آن‌ها وارد شد و با آنان همدلی کرد. درواقع، آن‌ها را آن‌طور که هستند بپذیریم، نه آن‌طور که خودمان می‌خواهیم.***

***3- برنامه‌ریزی‌های مناسب: برنامه‌ریزی باید باتوجه‌به موقعیت محله، شهر و روستا یا سن افراد صورت پذیرد. برای مثال، برای افرادی که قصد شرکت در کنکور را دارند باید کلاس‌های تست، روانشناسی، تندخوانی، تهیه‌ی کتب مختلف و راه‌های موفقیت در کنکور درنظر گرفته شود. همچنین، باید از اینترنت، فیلم، سریال، بازی، سرگرمی و غیره استفاده‌ی بهینه کرد.***

***4- جلسات بحث و گفت‌وگو: ازآنجاکه جوانان نیازهای مخصوص به خود دارند و روحیات و علایقشان با بزرگسالان متفاوت است، در برنامه‌ریزی باید، بعد از مخاطب‌شناسی و نیازسنجی، جلسه‌های ویژه‌ای برگزار کرد جهت ارزیابی برنامه‌های تدوین‌شده، اجراشده و بحث و گفتگوی منتقدانه و تبادل پیشنهادهای مفید در برنامه‌ریزی آینده. جلسات بحث و گفتگو علاوه بر رسیدن به راهکارهای مفید باعث خودارزشمندی و تقویت خلاقیت، ابتکار و اعتمادبه‌نفس در فرد می‌شوند. ضمن اینکه ارتباط دوستانه بین آن‌ها و مدیران مسجد مستحکم‌تر می‌شود.***

***5- ایجاد اعتماد در جوانان: مدیران و مسئولان مساجد باید به علائق و موقعیت جوانان اهمیتی خاص دهند. براین‌اساس، می‌توان از طرق مختلف در افراد اعتماد و ایمان کافی ایجاد کرد و آن‌ها را به مساجد هدایت کرد.***

***6- شکل ظاهری و داخلی مسجد: مسجد باید نمایی بسیار زیبا و آرامش‌بخش داشته باشد؛ همچنین ساختمان و تجهیزات درون مسجد باید تمیز و آرامش‌بخش باشد.***

***7- ارتباط حضوری با ساکنان اطراف مسجد: به‌جای‌اینکه مدیران و مسئولان مسجد افراد را به مسجد بخوانند، خود به محل سکونت و کار آن‌ها بروند و از نزدیک با آن‌ها ارتباط صمیمی برقرار کنند؛ سپس این افراد خود به مسجد خواهند آمد.***

***پیشنهادها و راهکارها***

***باتوجه‌به تحقیقات انجام‌شده در جهت جذب جوانان به مساجد و لزوم برنامه‌ریزی صحیح و دقیق برای آنان، این موارد پیشنهاد می‌شود:***

1. ***استفاده از راه‌های ایجاد انگیزه در جذب افراد؛***
2. ***برنامه‌ریزی صحیح و دقیق مطابق با نیازهای نسل جوان؛***
3. ***استفاده از متخصصان تعلیم و تربیت، روان‌شناسان و مربیان دینی در برنامه‌ریزی؛***
4. ***اهمیت‌دادن به نقش هدایتی و حفاظتی مسجد؛***
5. ***تغییر نگرش درباره‌ی مسجد از محل عبادت برای قشر خاص، به جایگاه اجتماعی برای همه؛***
6. ***تبیین اهمیت نقش فرهنگی مسجد؛***
7. ***تبیین اهمیت نقش تربیتی و اجتماعی مسجد؛***
8. ***اهمیت‌دادن به نقش مسجد در احیای فرهنگ غنی اسلامی؛***
9. ***برنامه‌ریزی جهت مستحکم‌کردن ارتباط همه‌ی اقشار با مسجد؛***
10. ***ترویج علم، اخلاق، بهداشت و غیره از طریق مساجد؛***
11. ***رفتار نیکوی مدیریت مسجد؛***
12. ***تأمین بهداشت روانی؛***
13. ***فراهم‌آوردن زمینه‌ی شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های افراد؛***
14. ***کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی؛***
15. ***توسعه‌ی مهارت‌های شناختی؛***
16. ***افزایش احساس رضایت درونی، نشاط و شادکامی؛***
17. ***زمینه‌سازی برای رشد همه‌جانبه‌ی فرد؛***
18. ***تقویت ارتباط فرد با جهان هستی؛***
19. ***تقویت خودشناسی به‌مثابه‌ی معرفتی زیربنایی؛***
20. ***تقویت رویکرد خدامحور در همه‌ی جنبه‌های زندگی؛***
21. ***پذیرفتن استدلال و منطق جوانان؛***
22. ***حضور افراد مهم و شایسته در مساجد؛***
23. ***تقویت روحیه‌ی اجتماعی نماز جماعت، ابتدا در مدارس؛***
24. ***توجه به مکان و فضای مسجد و شکل ظاهری آن؛***
25. ***استفاده از تکنولوژی‌های جدید در مساجد؛***
26. ***استفاده از وسایل سمعی و بصری جدید در موارد خاص؛***
27. ***برگزاری اردوها و سفرهای کوتاه‌مدت دسته‌جمعی؛***

***منبع : مرکز رسیدگی به امورمساجد***

1. .mobilisation [↑](#footnote-ref-1)
2. 1 . Demobilization [↑](#footnote-ref-2)
3. 2 . Communal groups [↑](#footnote-ref-3)
4. 3 . Association groups [↑](#footnote-ref-4)
5. 4 . Counter mobilization [↑](#footnote-ref-5)
6. . J. Green , "Revolution in Iran": The Politics of counter Mobilization, New York, Papereyer 1982, P.126\_136. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سيرى در زندگانى استاد مطهرى، ص 82 . [↑](#footnote-ref-7)
8. . مونتى پالمر و ديگران، نگرش جديد به علم سياست، ترجمه‌ی منوچهر شجاعى، تهران، دفتر مطالعات سياسى و بين‏الملى، 1367، ص 153. [↑](#footnote-ref-8)